

جهت بسط و توسعه تشکیلات قضائی مقدمات لازم فراهم، پس بطور دقیق مسئله توسعه قضائی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گرفت و چون درک صحیح آن مستلزم داشتن مایه علمی و تجربه و آگاهی کافی از سیستمهای مختلف قضائی جوامع دیگر جهان است لاجرم می‌بایست کارشناسان مزبور در این مورد تلاش و سعی خود را بکار برند، تا زمینه شناخت واقعی عوامل توسعه نیز بوجود آید. بوجود آوردن قوانین مؤثر در عرصه تشکیلات قضائی که محور اصلی و بلکه خطرناکترین عامل توسعه قضائی محسوب می‌گردد، در واقع از وظائف و تکالیف سران و حکومت بخصوص قوه قضائیه است.

بنابراین ضرورت مسئله ایجاب می‌کند قوه قضائیه بطور جد عهده دار این امر مهم شود و بدین جهت به منظور اصلاح جامعه و هدایت انسانهای گمراه و با هدف ایجاد توسعه در امر دادرسی قوه قضائیه با استفاده از کارشناسان با تجربه و کارآمد و متخصصین متعدد در جهت وضع و تدوین قوانین مربوط به امر قضا و قضاوت و اقدام و بمنظور اجرای صحیح دیگر قوانین در جامعه و با هدف جلوگیری از بزهکاری و از باب هدفمند کردن قوانین با یاری صاحب نظران و مطلعین موجود در قوه قضائیه در مرحله تدوین و یا تصویب کلیه قوانین حتی اگر با تشکیلات قضائی ارتباط مستقیم نداشته باشد و مربوط به قوای دیگر حکومت و جهات دیگر جامعه باشد نظارت و بلکه حق دخالت داشته و در صورت ضرورت حتی از تصویب و اجرای آن اگر موجب انحراف افراد جامعه گردد ممانعت بعمل آورد.

به موجب اصل ۱۵۶ قانون اساسی و بمنظور پیشگیری از جرم از وظائف اصلی و اساسی قوه قضائیه است و در این راستا زمینه تهیه و تدوین و تصویب و اجرای قوانینی را که موجب صلاح و

صواب مردم جامعه است بهر طریق ممکن می‌گردد. اما چون ایجاد وضع این چنین قوانینی در قوه قضائیه مستلزم برخورداری برنامه نویسان مجرب و واضعین خیره قوانین از علم و تجربه است ضرورت ایجاب می‌کند قبل از هر اقدامی در جهت شناسائی و دعوت به همکاری اینگونه افراد اقدام کرد.

مسئله بعدی؛ قاضی و چگونگی و نحوه کار اوست. قاضی با توجه به خصوصیتی که در امر قضا است، ناگزیر است متخصص و متعهد و علاوه بر آن دلسوز و علاقمند و دارای استعداد و ذوق سرشار باشد و شرایط احراز چنین سمتی بلحاظ اهمیت امر قضا و خطیر بودن موضوع دادرسی باید بگونه‌ای باشد که بتواند: الف؛ از عهده آن برآید و چون لازمه انجام آن بنحو شایسته و مورد قبول اولاً- داشتن فضل و کمال است که بدون تحمل رنج تحصیل و از طریق دانشکده‌ها و حوزه‌های علمیه و کسب غنائم علیم و قضائی اخلاقی و بدست آوردن کرامت والای انسانی از استادان و معلمان مبرز و کارآزموده میسر نمی‌گردد ثانیاً؛ علاوه بر برخورداری از فضل و کمال و تعهد و تقوی قاضی ناگزیر است از علاقه و ذوق کافی کاری بی بهره نباشد و الا علاوه بر عدم موفقیت کاری و چیره شدن اضطراب و نگرانی و بعضاً شکست و ناامیدی در کار و نهایتاً عمل وی موجب ایجاد نارضایاتی اجتماعی و ورود لطمه به حیثیت و شأن تشکیلات و باعث جلوگیری از پیشرفت و توسعه سیستم دادرسی گردد.

مسئله بعدی، وجود و نحوه کار در امر قضاوت است. با عنایت به تحول زندگی اجتماعی در جهات مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره و پیچیدگی پدیده‌های موجود در روابط بین افراد جامع و سازمانها و نهادهای گوناگون دولتی و غیردولتی و کشورهای مختلف جهان، بنظر می‌رسد یکی از مسائل مربوط به توسعه تشکیلات قضائی تخصیص شعبه امور منحصر بفرد در امر دادرسی و تفکیک هر یک از تشکیلات دستگاه قضائی مطابق با وضعیت موجود بمنظور سهولت در کار و تسریع در زمان دادرسی و حل و فصل است.

آخرین مسئله؛ وجود ابزار و اسباب کار است که باید با بررسی دقیقی که توسط مسئولین امر بعمل می‌آید بمنظور پیشرفت کار و تسریع در انجام امر دادرسی ابزار کاری لازم و پیشرفته مطابق با روز تهیه و در اختیار تشکیلات قرار گیرد.

◀ حجة الاسلام و المسلمین محمد موحد رئیس شعبه ۲۰ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

دستگاه قضائی باید بسوی اعتمادسازی حرکت شتابان تری داشته باشد

دارای تحصیلات خارج حوزه بوده، از سال ۶۲ شروع بکار قضائی نموده و تاکنون در سمتهای بازپرس دادسرای تهران - معاون دادستان انقلاب استان تهران - سرپرست دادسرای انقلاب ورامین - رئیس دادگاههای انقلاب اسلامی ورامین و پاکدشت و از سال ۷۷ رئیس شعبه ۲۰ دادگاه انقلاب تهران فعالیت داشته است.

■ در این شعبه به چه دعوای رسیدگی می‌شود؟
پرونده‌های قاچاق کالا و ارز، بخشی هم به مواد مخدر، پرونده‌های ملی، در محدوده ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب پرونده ارجاع می‌گردد.

■ چند درصد از پرونده‌های این شعبه مربوط به مواد مخدر است؟

بیش از ۵۰ درصد از پرونده‌های مربوط به مواد مخدر است.

■ رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر در اصلاح جامعه به چه میزان مؤثر است؟

باید برگردیم به این مسئله که اگر این کارها انجام نمی‌شد وضع جامعه، تاکنون چه بوده است اگر ترسیم کنیم می‌بینیم که این نحوه برخوردها بسیار مؤثر و مفید است، کافی است نیروی انتظامی حضور خودش را از معابر عمومی کم‌رنگ یا حذف کند آن وقت مشخص می‌گردد که وضعیت اجتماعی تا چه اندازه مخدوش می‌گردد اگر چه این مبارزه، مبارزه اصولی و یقین‌کننده و مارا به اهداف خودمان برساند کافی نمی‌دانم.

مع الوصف شیوه‌های فعلی هم در نوع خودشان با وضعیتی که بافت اجتماعی، دارد مفید است مطلب این است تمام ارگانها و نهادها که در قانون مبارزه با مواد مخدر تکلیف پیدا کردند دقیقاً به وظایف قانونی خودشان عمل نمی‌کنند فقط ۵ وزارتخانه طبق ماده ۳۳ قانون اصلاحی عضو ستاد هستند. صدا و سیما، فرمانداری نیروی مقاومت بسیج، سازمان زندانها، دادستانی کل کشور ولی متأسفانه در مقام عمل نیروی انتظامی و قوه قضائیه اقدامات میدانی دارند و من متعجبم که باید تمامی نهادها و ارگانها خصوصاً فرهنگی برای مبارزه با این پدیده شوم بسیج شوند فرهنگ سازی بکنند به شکلی که قبح این جرائم در آحاد جامعه نهادینه شود.

و این نیاز به یک برنامه ریزی وسیع و کارشناسانه و فراگیر دارد که ما به مرور بتوانیم با ایجاد چنین حالتی در جامعه به اهداف مقدس خود آن که



حجت‌الاسلام و المسلمین محمد موحد

پاکسازی جامعه است و حفظ استعداد های بالقوه جوانان و شکوفائی آنها که توسعه همه جانبه کشور است دست پیدا کنیم.

■ امنیت به چند دسته تقسیم می شود؟

امنیت گاهی اجتماعی است گاهی ملی است، ملی یا داخلی است یا خارجی است آنچه که در صلاحیت رسیدگی دادگاه انقلاب است امنیت ملی در قالب داخلی و خارجی است اما امنیت اجتماعی یا اخلاق در نظم عمومی ماهیتاً با امنیت ملی کاملاً متفاوت است و در صلاحیت دادگاه های عمومی است مثل فرض کنید حمل چاقو و قدرت نمائی که این بعنوان اخلاق در نظم عمومی می تواند مصداق پیدا کند و اقدام علیه امنیت ملی تلقی نمی شود.

■ نحوه مداخله وکلای دادگستری در پرونده های مطرحه در دادگاه های انقلاب چگونه است؟

هیچگونه محدودیتی وجود ندارد طبق قانون افراد آزادند یک وکیل یا به مورد دو وکیل چنانچه بخواهند انتخاب می کنند در مواردی که حضور و دخالت وکیل طبق قانون الزامی است و تشکیل دادگاه بدون دخالت وکالت وکیل مورد سؤال قانونی قرار می گیرد دادگاه شرایط لازم را برای متهم مهیا می کند و از وکیل تسخیری استفاده می کنند و عموماً وکلا از حضور خودشان در دادگاه انقلاب و نوع برخورد قضات و کارکنان اعلام رضایت دارند.

■ آیا احیاء دادرسی در سیستم رسیدگی محاکم انقلاب تغییر یا تحول یا خللی ایجاد نکرده است؟

خلل ایجاد نکرده به حمد خدا تحول طبیعی است که ایجاد شده است دادگاهها شأن واقعی خودشان را پیدا می کنند احیاء دادرسی به نوعی احیاء شأن دادگاه بوده است اکنون دادگاه می توانند به رسالت خودشان بهتر عمل کنند. و آن حفظ بی طرفی است در سیستم سابق چنین شرایطی فراهم نبود ناخواسته قاضی یا متهم درگیر بود و این مسئله با نظام قضائی اسلام همگون نبود.

بند همیشه تأکید کردم که در موقع مناسب، که دستگاه قضائی باید بسوی اعتماد سازی حرکت شتابان تری داشته باشد که بحمدالله طی سنوات اخیر این امر مواجه با تحقق است و در بسط این مسئله باید گفت که توسعه قضائی اسلامی فراگیر بودن در میان آحاد مردم و نفوذ رأی قاضی در دلهاست یعنی یک محکوم رأی قاضی را بعنوان مانژر الله با تمام وجود بپذیرد اگر ما بتوانیم بطور نسبی به این نقطه اعلا و اجلا برسیم مطمئن ام توسعه قضائی در بسیاری از ابعاد محقق شده است نمونه های اینها را در قضاوت های حضرت امیر علی (ع) می بینیم وقتی حدی جاری می کنند محکوم علیه بعد از اجرای حد کاملاً از رأی آن حضرت، اعلام رضایت می کنند و با تمام وجود می پذیرد. تبلیغات سوء و سمپاشی های منافقین هم علیه علی (ع) تأثیر نمی گذرد و مجرم به صحت رأی اذعان می کند و آن را نتیجه عمل خودش

می داند. ما امیدواریم که قضات و دستگاه قضائی در این مسیر جهت ارائه خدمت صادقانه مردم مسلمان ایران توفیق بیشتری پیدا کنند.

■ انتظار شما از مسؤولین قوه قضائیه چیست؟

در بحث گزینش قضات و کارکنان در رده های مختلف باید دقت بیشتری بعمل آید تأمین امکانات ضروری زندگی برای کارکنان دستگاه جهت ارائه خدمت بهتر یک ضرورت اجتناب ناپذیر است؛ کارمندان عدلیه نسبت به بسیاری از دستگاه دولتی هم از نظر حقوق و هم از نظر خدمات در مقطع بسیار پائین تری قرار دارند انتظار این است که دوستان در بخش کارمندان یک اقدام عاجل و سریع بعمل بیاید که می تواند در سالم سازی مجموعه اداری و پیشگیری از هر نوع رفتار غیر قابل قبول مؤثر باشد، به امر آموزش به حمدالله در سالهای اخیر توجهی شده توجه مضاعفی بشود. و این آموزشها باید اجباری شود و امتیازاتی هم به افرادی که موفقیت های پیدا می کنند قائل شوند از نیروهای با تجربه و توانا در کارهای ستادی و برنامه ریزی و طراحی و حتی اجرا استفاده شود به نیروهای متعهد و خدمتگزار و عالم و دانشمند که سرمایه اصلی نظام جمهوری اسلامی است عنایت بیشتری شود.

■ ظاهراً در این شنبه به پرونده های قاچاق کالا و ارز هم رسیدگی می شود توضیحی چنانچه دارید بیان فرمائید؟

مقوله قاچاق کاملاً اقتصادی است لذا مقررات بسیار پیچیده و دارای طول تاریخی قابل توجهی دارد لذا افراد درگیر در این امر لازم است که از اطلاعات قانونی و حقوقی مورد نیاز برخوردار باشند متأسفانه، می بینیم در بخشهای مختلف اجرائی چنین مسئله ای تحقق پیدا نکرده است. همچنین با توجه به ماهیت اقتصادی مقوله قاچاق کالا ضرورت دارد تصمیمات اقتصادی کاملاً هوشیارانه و بلحاظ موقعیت اقتصادی کشور و کالاهای موضوع تصمیم اتخاذ شود گاهی مشاهده می شود کالاهای به بهانه تعدیل قیمت وارد کشور می شود. در صورتی که کارخانه یا شرکت تولید کننده که بعضاً از منابع دولتی هم استفاده می کنند با رکود بازار مواجه می شوند آثار زیانبار این مسئله متوجه اقتصاد کشور و موجب اشتغال زدائی و بیکاری افراد و همینطور از بین رفتن سرمایه ملی کشور می شود و آن هدف از مبارزه با قاچاق کالا که یک تقویت تولید داخلی است عملاً نادیده می شود شما ملاحظه می کنید بحث قاچاق کالا آنچنان دارای اهمیت شده برای کشور ما که مسئولین در رأی کشور و حتی مقام معظم رهبری بیانات بسیار روشن و مؤکدی دارند و دستور اکید به رئیس جمهور محترم دادند و نهادهای ذیربط را برای مبارزه جدی موظف کردند من که سالیانی است به پرونده های قاچاق کالا و ارز رسیدگی می کنم و اکنون نیز عضو هیأت نظارت بر پرونده های مهم قضائی قاچاق کالا و ارز هستم و

نسبتاً اطلاعات قابل توجهی در این موضوع دارم ملاحظه می کنم طراحی برنامه ریزی بصورت اصولی در بخشهای از مجموعه های موظف انجام نمی شود یک نمونه برگهای سبز گمرکی است که این برگ سبز در زمانهای گذشته تنظیم شده نواقص زیادی دارد هم در فرم نقصی هست و هم در نحوه درج مشخصات کالا، باید برای جلوگیری از سوء استفاده از این فرمها یک فرم جامع طراحی و در اختیار قرار گیر و مبادی ورودی گمرکی موظف شوند تمام مشخصات کالا اعم از نوع، میزان، سریال، کشور سازنده و امثال آن درج شود. متأسفانه الان فرضاً فردی ۵۰۰ کازرتن چای، نوع دقیق آن مشخص نیست و از همین برگ به کرات برای ورود چای قاچاق استفاده می کند در بخشهای دیگر هم، بخش دخانیات مشکلات مشابه وجود دارد البته در قانون اجمال و بعضاً ابهام است.

ماده ۸ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی تغییر شده لکن این تغییر نیاز تغییر دیگری دارد. حتی در خصوص تبصره یک ماده ۴ همین قانون راجع به قطعیت یا قابل تجدیدنظر بوده آراء علیرغم رأی دیوان عدالت اداری در ابطال بخشنامه رئیس قوه قضائیه همچنان اختلاف برداشت بین قضات وجود دارد که لازم است اینگونه ابهامات، اجمالات از طرف مراجع قانونی حل شود. مطلبی که، باید اینجا عرض کنم بحث تکالیف یا اختیارات مأمورین وصول عوائد دولت است با کمال احترام به فعالیت آنها معتمد که از اختیارات قانونی خودشان استفاده لازم را نمی برند و در این بخش هم نیروی انتظامی و دستگاه قضائی در خط مقدم قرار گرفتند و مساعدت سایر ارگانها کم رنگ است در فصل دوم قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ با اصلاحات بعدی وظایف و اختیارات مأمورین کشف و تعقیب قاچاق و پاداش کاشفین و غیره آمده است ماده ۱۲ این قانون می گوید هر یک از مأمورین وصول عایدات دولت می تواند برای کشف قاچاق و توقیف جنس در امکانه مضمونه تفتیش نماید ملاحظه می کنید که این اختیار یک اختیار مهمی است. اما بنظر می رسد هیچ اداره گمرکی یا سایر سازمانهای ذیربط حتی یک مورد از این اختیار خود استفاده نکردند اینها می توانند بدون نمایندگی قضائی بلکه به موجب صدر ماده ۱۲ وارد امکان مضمونه بشوند و کالای قاچاق احتمالی را کشف و توقیف کنند من عقیده دارم مدیریت محترم گمرک لازم است در جهت احیاء این بخش از ماده ۱۲ اقدام لازم را بعمل بیاورد بدیهی است برای تفتیش در منازل طبق قسمت دوم این ماده نمایندگی قضائی، حضور نیروی انتظامی و مأمور وصول درآمد باید حضور یابند در ادامه عرض می کنم یک مشکلی که معمولاً وجود دارد این است که مأمورین وصول عواید که نوعاً کارشناس هم هستند برای ارزیابی کالا در محلهای کشف و توقیف که توسط نیروی انتظامی

انجام می شود حضور پیدا نمی کنند و یا به سختی و باید دستور اکید قاضی مکلف بحضور شوند در این بخش هم لازم است که گمرک تدابیر لازم را بیندیشد.

اصلاح مقررات مربوط به قاچاق ضروری بنظر می رسد پس از اعلام گزارش به گمرک آن سازمان موظف است ظرف ۵ روز اعلام نظر کند در بسیاری از این پرونده ها امکان اظهار نظر در مدت ۵ روز انصافاً میسر نیست نکته دیگر دادگاه مکلف است ظرف یکماه به پرونده رسیدگی و حکم صادر کند در حالی که راجع به بسیاری از پرونده ها امکان رسیدگی در این مدت وجود ندارد چنانچه دادگاه ظرف یکماه رسیدگی نکند سازمان شاکی می تواند پرونده را از محاکم قضائی مطالبه و به سازمان تعزیرات حکومتی ارجاع شود.

معمولاً سازمانهای شاکی هم از اختیارات قانونی خودشان استفاده نمی کنند نکته قابل توجه در اینجا این است که اصلاح آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به کالا و ارز که در ۱۵/۷/۸۱ انجام شده است ماده ۱۰ اصلاحی این آئین نامه با تبصره ۲ ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی تعارض آشکار دارد. در قانون در بحث گرفتن پرونده از مرجع قضائی پس از یکماه عبارت «می تواند» آمده در حالی که در ماده ۱۰ اصلاحی آئین نامه عبارت در موظف است «آمده است» معتقدم این بخش بر اساس قانون ابطال و اصلاح بشود.

مطلب دیگری که نحوه اجرا قابل دقت است این است که مواد ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی از سوی سازمانهای شاکی دقیقاً اجرا نمی شود. خصوصاً در بند «ب» ماده ۲ دقت لازم بعمل نمی آید به این معنا که اگر سازمان شاکی پس از کشف و توقیف کالا و احراز قاچاق بودن کالا و عدم ارائه مدارک مثبت گمرکی از سوی صاحب کالا به وی ابلاغ کند کالای شما ضبط و دو برابر جریمه دارد و صاحب کالا در مرحله اداری تمکین نماید هیچ ضرورت ندارد پرونده به دادگاه بیاید در حالی که چنین عمل نمی کنند معمولاً بدون طی این مراحل ابتدا به ساکن پرونده را به دستگاه قضائی ارجاع می کنند.

نکته دیگری که مشکل ایجاد کرده است این است که پرونده های موضوع این قانون اعمال تعزیرات حکومتی مستقیماً به دادگاه ارجاع می شود در حالی که در مراکز که دادسرا تأسیس شده و با توجه به فلسفه وجودی دادسرا لازم است پرونده ابتدا به دادسرا ارجاع با طی مراحل مربوط مثل سایر جرائم با کیفرخواست به دادگاه فرستاده شود.

اما عملاً چنین نیست برخی قضات قبول صلاحیت می کنند و برخی قبول صلاحیت نمی کنند در این بخش هم ضرورت رفع ابهام و رویه واحد ضرورت دارد. باز نکته قابل توجه در مقوله قاچاق تعیین

مجازات در قانون مجازات اسلامی که برای برخی از اشیاء و کالاهاست مثلاً اشیائی که دارای آثار تاریخ و فرهنگی هستند یا مشروبات الکلی که اختلاف نظر شدیدی در میان همکاران وجود دارد که با وجود قانون مجازات مرتکبین قاچاق و تصویب قانون مجازات اسلامی جمع بین این دو قانون در بحث قاچاق چگونگی خواهد بود در این بخش هم پرونده هایی سرگردان هستند

حسن اسداللهی رئیس شعبه ۱۸ دادگاه انقلاب اسلامی تهران

دلیلی بر افزایش مجازات افراد خورده پا دیده نمی شود

دارای لیسانس حقوق قضائی، از سال ۱۳۶۱ شروع بکار قضائی نموده در کلیه پستهای قضائی محاکم تهران فعالیت نموده است.

■ در این شعبه به چه نوع دعای رسیدگی می گردد؟

اکثراً پرونده موضوع جرائم ویژه پزشکی و دارویی است.

■ موضوع صلاحیت در دادگاه انقلاب چیست؟

صلاحیت های دادگاه انقلاب ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ احصاء نموده است. ولی بطور کلی موضوع صلاحیت در پرونده های تخلفات پزشکی و دارویی مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و بهداشتی مصوب ۱۳۴۴ ماده ۳ این قانون مزبور سال ۱۳۷۴ ماده واحده ای مبنی بر اصلاح ماده ۳ قانون مذکور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و تبصره ۶ ماده واحده مزبور رسیدگی به جرائم موضوع این قانون را در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی قرار داده است که:

۱- تأسیس مراکز پزشکی داروسازی، دندانپزشکی، آزمایشگاه، پلی کلینیکی، مؤسسات فیزیوتراپی، اکتر و فیزیوتراپی، هیپروتراپی (آب درمانی)، لابرآتوار، کارخانه های داروسازی، درمانگاه و... به هر نام و عنوان بدون اخذ پروانه از وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی

۲- اشتغال به امور مذکور بدون اخذ پروانه.

۳- دخالت در امور پزشکی و دارویی.

۴- واردات و صادرات خرید و فروش دارو بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت.

۵- خرید و فروش غیر مجاز و ملزومات پزشکی

۶- خودداری از ارائه خدمات پزشکی.

۷- اخلال در نظام توزیع دارویی کشور.

۸- ورود و عرضه فرآورده های تقویتی و

تحریک کننده، ویتامین و غیره بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت.

۹- واگذاری و اداره مؤسسه پزشکی به غیر بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت.

۱۰- واردات و صادرات و خرید و فروش داروهای دامی بدون اخذ مجوز و پروانه قانونی از سازمان دامپزشکی جرم محسوب و مرتکبین این گونه جرائم به مجازاتهای مقرر در ماده ۳ قانون مذکور بر موضوعات متقونه در ماده واحده قانون اصلاح ماده ۳ قانون یاد شده اعمال می شود و قانون تسری بر سایر مواد قانونی مربوط به مقررات پزشکی و دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی مصوب سال ۱۳۳۴ نیست این جرائم در دادگاه انقلاب قابل رسیدگی قرار می گیرد و رسیدگی به سایر موارد مندرج در قانون مذکور که از شمول ماده واحده قانون اصلاح ماده ۳ قانون مزبور به مقررات امور پزشکی و دارویی... خارج است و در صلاحیت دادگاههای عمومی است.

■ مشکلات شما در امر رسیدگی چیست؟

برخی از مسؤولین نیروی انتظامی و مسؤولین معتقدند در دادگاههای رسیدگی به این گونه جرائم با صدور آرا از دادگاهها برخورد قاطع نمی شود ما معتقدیم که انتقال توده روستائیان به شهر که اکثراً از شهرهای استان اردبیل و شهرهای آذربایجان شرقی و غربی و یا مازندران نوجوانانی هستند که میانگین سن آنها ۱۶ تا ۱۸ سال است که حتی الامکان مجازاتهای حبس را به ویژه در مورد نوجوانان و کسانی که به حبس نرفته اند از محبوس شدن بی ثمر افراد و تراکم بیش از حد زندانی در زندانها که اغلب فاقد امکانات لازمند از مفاصد احتمالی جلوگیری شود دلیلی بر شدت مجازات و محبوس کردن اینگونه افراد خورده پا دیده نمی شود و این هدف مجازات نیست. این قاعده کلی است که سرچشمه تمام بی نظمی ها، کسی کیفرها نیست بلکه علت این است که بسیاری از جرائم بی کیفر می مانند به قدر کافی مجرمان را دستگیر نمی کنند عده ای از مجرمان توسط مقامات انتظامی شناخته نمی شوند و عده دیگری نیز با وجود شناخته شدن خود را از دسترس مقامات انتظامی دور نگه می دارند و در نتیجه بدون کیفر می ماند این بی جزائی خطرناک است کیفر ندیدن مجرمان موجب تشویق آنان به تکرار جرم است نه کمی مجازات، تبصره ۶ قانون سال ۱۳۷۴ جرائم مربوط به مقررات امور پزشکی، دارویی و خوردنی مصوب ۱۳۷۹ مجازات زندان را حذف کرده است.

■ موجبات دیگر اطلاع دادرسی در جرائم دارو و درمان کدام است؟

۱- یکی از مواردی که باعث می شود دادرسی در پرونده های پزشکی و دارویی به طول بانجامد مسأله کارشناسی است با این تعریف که